

تفسیر و فراتفسیر قرآن در بستر تاریخ

گرایش به تفسیر قرآن از ابتدای تاریخ اسلام وجود داشته است و برخی از مسلمانان سوالات خود را در خصوص آیات قرآن به پیامبر عرضه می‌کردند، اما علم تفسیر از خلال ایجاد فرازبان تفسیر قرآن ایجاد شده است.



گرایش به تفسیر قرآن از ابتدای تاریخ اسلام وجود داشته است و برخی از مسلمانان سوالات خود را در خصوص آیات قرآن به پیامبر عرضه می‌کردند، اما علم تفسیر از خلال ایجاد فرازبان تفسیر قرآن ایجاد شده است.

تفسیر قرآن با علم تفسیر تفاوت‌هایی دارد و این دو به یک معنا نیستند، اما برای سنجش هر تفسیری می‌توان میزان بهره‌مندی آن را از علم تفسیر سنجید. گرایش به تفسیر قرآن از ابتدای تاریخ اسلام وجود داشته است و برخی از مسلمانان پرسش‌های خود را در خصوص آیات قرآن به پیامبر عرضه می‌کردند، اما علم تفسیر از خلال ایجاد یک فرازبان تفسیری در میان مسلمانان و در بستر تاریخ ایجاد شد.

شواهد تفسیر در قرون اولیه اسلامی

حضرت علی(ع) «ابوالاسود دوئلی» را مامور کرد تا مبانی صرف و نحو عربی را تدوین کند، یکی از اهداف این کار فهم بهتر قرآن توسط مسلمانان صدر اسلام بود. از سوی دیگر یکی از علل ضرورت تفسیر در صدر اسلام اختلاف لهجه عنوان شده است. «اتفاقی که در اواخر قرن 3 ه.ق روی می‌دهد این است که محدثینی پدیدار شدند که تصمیم گرفتند مجموعه‌های مستقل و مفصلی در علم تفسیر بنویسند و برای اولین بار مجموعه‌هایی با رویکرد مفسرانه و با حجم مفصل و با ویژگی جامعیت در تفسیر نوشت شد که نویسندگان آن‌ها تلاش داشتند تمام تفاسیر روایی و حتی کتب حدیثی که جنبه تفسیری ندارند را بررسی کردن و از آن مضامین تفسیری استخراج کنند.» از سویی دیگر ادبا، متکلمین و واعظان به سوی تفسیر قرآن رهسپار شدند. فرازبان تفسیری چیست؟

فرازبان، زبان مشترکی است که هر علمی با آن می‌کوشد با مخاطبان خود ارتباط برقرار کند. اصطلاحات خاص در هر علم، واژه‌های زبان مشترک یک علم را تشکیل می‌دهند، برای مثال در علم زیست‌شناسی سلول، زیست، پستاندار و ... اصطلاحاتی هستند که معنای علمی خاصی دارند و یا در فلسفه وجود، ماهیت، ذات، عرض و ... در کنار هم نظریه‌ای فلسفی در هستی‌شناسی را می‌سازند.

ممکن است گفته شود که چنین زبانی وجود ندارد، اما فرض کنید که در یک گفت‌وگوی ادبی درخصوص یک شعر یکی بگوید شما در شعرتان از صنعت جناس استفاده کرده‌اید و دیگری بگوید من نمی‌فهمم «صنعت جناس» چیست و یا بگوید خیر من در شعرم از «تخیلات ثانوی» بهره جسته‌ام، با عدم وجود زبانی مشترک در یک علم نمی‌توان آن علم را پیش برد و بحثی را سامان داد. تحقق و تعین یک علم محتاج وجود زبانی مشترک است. به این معنا تفاسیر انجام شده پیش از ایجاد فرازبان تفسیری اگرچه تفسیر هستند اما زبان مشترکی با تفاسیر دیگر ندارند و نمی‌توان آن‌ها را ذیل یک علم به حساب آورد. به بیان دیگر با به وجود آمدن فرازبان تفسیری یک علم بدل به امری همگانی می‌شود که همگان می‌توانند با آموختن آن فرازبان به تفسیر بپردازند.

شکل‌گیری فرازبان تفسیری قرآنی

الفاظی مانند محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و ... در علم قرآنی دقیقاً به معنای رایج کلمات نیستند و معنای خاصی دارند و مفسران در هنگام استفاده از آن‌ها معنای خاصی را اطلاق می‌کنند. «احتمال این وجود داشت که در مورد آیه «لا اکره فی الدین» با آیه «فاقتلو المشرکین حیث وجدتموه» اختلافی وجود داشته باشد، ولی در مورد اینکه به چه چیزی می‌گویند ناسخ و منسوخ اختلافی نداشت و همه می‌دانستند منظور از ناسخ و منسوخ چیست و اختلاف تنها در مورد مصداق بود نه مفهوم کلی».

اگر فرازبان تفسیری شکل نمی‌گرفت، تفسیرهایی به منظور استفاده کلامی، حدیثی، فقهی و یا ادبی هیچ استفاده دیگری نداشتند، اما شکل‌گیری فرازبان تفسیری باعث شد تا تفاسیر زبان واحدی پیدا کنند.

اولین بحث‌های علوم قرآن در کتاب‌هایی مانند «فضائل القرآن» از ابو عبید قاسم بن سلام در قرن 3 ه.ق نوشته شده است. دیگر کتاب به همین عنوان و نوشته ابوبکر ابن ضریس در قرن 3 ه.ق است، «در میان شیعیان نیز یکی از کسانی که در این زمینه کار کرده و اتفاقاً آنچه که نوشته به نحوی نام علوم قرآنی را هم در بردارد، فردی است به نام محمد بن بحر رهنه کرمان که کتابی با نام «مقدمات علم القرآن» دارد.» «تفسیر نعمانی» نیز از همین دست کتاب‌هایی است که می‌توان آن را منشأ علوم قرآنی دانست. دیگر اثر نسخه خلاصه شده «تفسیر نعمانی» با نام «مقدمه تفسیر علم بن ابراهیم قمی» است. در همین راستا کتاب «المبانی فی تفسیر القرآن» در قرن 5 ه.ق توسط «زین الدین ابوبکر عاصمی» نگاشته شده است.

شکل‌گیری فرازبان تفسیری این امکان را به وجود آورد که تفسیر از یک گرایش به علمی مستقل تبدیل شود و این امکان به وجود آید که علم در درون خودش توسعه پیدا کند و دیگر توسعه آن منوط به توسعه علوم دیگر نباشد که اصطلاحاً می‌گوییم

یک علم تحقق پیدا کرده است.

«در واقع علوم قرآنی، شکل مدون شده فرازبان عام تفسیر است. در این علم اصطلاحات خاص علم تفسیر تعریف می‌شود و به ما گفته می‌شود که ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، سبب نزول، آیات سیفی، شتایی، مکی، مدنی و غیره چیست».